

وحیده علایی طالقانی می گوید نیم الی یک ساعت از رفتن نمایندگان شوروی حال آقا بد می شود. برخی معتقدند مرگ ایشان کار همان عوامل شوروی بوه است.

با تکذیب دو نقل قول در خصوص حجاب و شهر نو؛



وحیده علایی طالقانی، دختر آیتا □ طالقانی نیز مانند دیگر خواهران و برادرانش، مرگ پدرش را غیرطبیعی می داند و می گوید برخی معتقدند کار عوامل شوروی بود.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از تسنیم، او دو نقل قول منتسب به آیتا □ طالقانی را درباره حجاب و تخریب شهرنو تکذیب کرده است:

* یک سخنرانی آقا درباره حجاب داشتند که من یک نسخه از آن را دارم و یک بار فقط شرکت سهامی انتشار جزواتی را که از بیانات آقا چاپ شده بود به من دادند که متأسفانه آن ها دیگر هم چاپ نشد، مثلاً اینکه می گویند آیتا □ طالقانی گفته «می ترسم روزی برسد که موضوع جامعه تار موی زنان باشد نه دزدی و اختلاس» آقا تنها یک بار درباره مسئله حجاب صحبت کردند و اگر این جمله درست بود باید آنجا ذکر می شد ولی من تا حالا جایی ندیدم آقا چنین حرفی زده باشند.

* یا اینکه گفته می شود «آقا مخالف تخریب شهرنو بودند» خودشان در همین کتاب می فرمایند «ما می خواهیم از این به بعد زن ها و دخترهای ما به سقوط کشیده نشوند. ما می خواهیم دیگر «قلعه» (شهرنو) در این مملکت نباشد که یک عده از زن هایی که فرزندان این مملکت و این کشور هستند به بدبختی کشانده شوند. زن های ما به عصر جاهلیت پهلوی، شرک پهلوی و شرک خاندان سلطنتی که منشأ همه مفاسد بودند پرنگردند و همان طوری که مسئولیت اسلامی و ایرانی خود را تا به حال به خوبی انجام دادند ادامه پیدا کند»، کاملاً به عکس آنچه از آیتا □ طالقانی نقل می شود. در کتاب «پرتوی از قرآن» در تفسیر سوره نساء، آقا مفصل درباره حجاب صحبت کردند و به حجاب اقوام و مذاهب مختلف و خانم ایندیرا گاندی اشاره کردند که وقار و جایگاهشان را حفظ می کردند.

* آقا چون فکر عمیق تری نسبت به سایرین داشت، بیشتر نظراتشان مورد پسند امام هم واقع می شدند. بعد از فوت آیتا □ طالقانی، امام چندین عنوان مختلف برای ایشان به کار بردند همچون شمشیر مالک اشتر، نائب پیغمبر (ص)، ابوزر و... که ثبت هم شده است و این دو نفر با یکدیگر خیلی هماهنگ بودند. زمانی که پسرهای آقا توسط آن کمیته خودساخته دستگیر شدند، خلیل رضایی (پدر رضایی ها) خانه اش را در اختیار آقا گذاشت که در خیابان طالقانی هم واقع است و پادم هست آقا در اتاق حرکت می کرد و لا اله الا الله می گفت، فکر می کرد ساواکی ها بچه ها را دستگیر کرده اند تا با زندانیان سلطنت طلب مبادله کنند. بعد که ماجرا فاش شد، اعضای آن کمیته درخواست عذرخواهی کردند. پسرها که دیدند آقا ناراحت هست، ایشان را به

شمال بردند که خستگی در کند. در غیاب آقا کشور شلوغ شد و مجاهدین خلق شروع به شلوغ کاری کردند که مثلاً آقای طالقانی قهر کرده است و به نحوی می خواستند از این کار آقا علیه انقلاب بهره برداری کنند. امام که این شرایط را دید به حاج احمد آقا گفت «بگو آیتا □ طالقانی برگردد». حاج احمد هم به هر طریقی بود آیتا □ طالقانی را پیدا کرد و به قم آمدند. آقا هم یک سخنرانی در فیضیه کردند و گفتند «چرا شلوغ کاری می کنید؟ من هروقت دلتنگ می شوم به اینجا می آیم و از امام آرامش می گیرم.»

* شبی هم که آقا فوت کرد محافظان در منزل نبود، نه مادرم و نه محافظ، هیچکدام نبودند. برق های خانه خاموش شده بود، تلفن هم قطع بود و فقط خانم پایینی یک چراغ نفتی برایشان می آورد. بعد از نیم ساعت الی یک ساعت از رفتن نمایندگان شوروی حال آقا بد می شود. اطرافیان آقا همه انسان های دلسوخته و زجرکشیده بودند مانند آقای چهپور، شبستری و... که نمی شود به این ها شک کرد ولی برخی معتقدند کار همان عوامل شوروی بود. اخیراً هم سنگ قبر آقا را عوض کردند و نوشتند «به عارضه سکنه قلبی درگذشت»، و نمی دانیم چه کسی این جمله را اضافه کرد، به هر حال فوت آقا علامت سؤال دارد. آقا غذای آن چنانی نمی خورد که عارضه چربی داشته باشد. علت رفتن شان به خانه چهپور هم برای این بود که محیط بزرگی برای حرکت داشت و می توانست قدم بزند و ورزش کند.

برچسب ها: [تاریخ](#) [1]
[انقلاب](#) [2]